

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdulgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com



اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.

ایسکرا

۳۷۶

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳۱ مرداد ۱۳۸۶، ۲۲ اوت ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدال گلپریان abdolgolparian@yahoo.com



عبدال گلپریان

کودکان و اعتیاد

هفته گذشته فیلم کوتاهی از کودکی تقریباً ۴ ساله را در حال استفاده از نوعی از مواد مخدر دیدم. شاید شما هم این فیلم کوتاه را دیده باشید. در پروسه نگاه کردن به این صحنه تا به آخر، آنچه که برای هر کسی که این ماجرا دلش را بدر آورد است این است که موجی از تنفر و انزجار نسبت به شرایطی که برای کودکان خلق شده است بوجود می آورد. این تنها گوشه و صحنه ای از شرایط و موقعیت فرودست کودکان و خانواده های آنان است که به تصویر کشیده می شود. آمار دچار شدن کودکان ۴ تا ۱۴ ساله به مواد مخدر، واقعا غیر قابل باور و تکاندهنده است.

اکنون آمار کودکان در جامعه اعتیاد زده، بسیار بیشتر و بالاتر از این است. در حالی که کودکی ۴ ساله پای بساط مواد مخدر بنشیند، می توان آمار سرسام آور آن را در میان سنین ۴ تا ۱۴ و ۲۰ ساله را بخوبی تخمین زد. کودکان نیز همانند پدر یا مادر معتاد خویش، بخوبی اسامی تمامی مواد مخدر را می شناسند. کیفیت و ایجاد حالات هر یک از مواد را در بدن خود حس می کنند.

صفحه ۳

احکام رژیم اسلامی علیه فعالین کارگری سندج را محکوم کنیم

۱۳ فعال کارگری سندج به اسامی ۱- پیدانه مرادی کارگر اخراجی نساجی کردستان ۲- خالد سواری کارگر کارخانه شاهو ۳- حبیب الله کله کانی کارگر بازنشسته کارخانه شاهو ۴- فارس گویلیان کارگر مکانیک ۵- صدیق امجدی کارگر اخراجی نساجی کردستان ۶- صدیق صبحانی کارگر نساجی کردستان ۷- عباس اندریاری کارگر ۸- محی الدین رجبی کارگر اخراجی نساجی کردستان ۹- طیب ملائی کارگر جوشکار ۱۰- طیب چتانی

صفحه ۲



محمد آسگران

به دنبال تجمع اول مه ۱۳۸۶ در سندج، دستگیری فعالین کارگری زندانی کردن و محاکمه کردن آنها سیاست رژیم اسلامی برای ایجاد ترس و وحشت در جامعه بوده است. در ادامه این سیاست سرکوبگرانه، رژیم اسلامی کارگران را زندانی و محاکمه کرد.

وحشت رژیم از فرا رسیدن اول مهر: احکام قضایی علیه معلمان محکوم است!

اسلامی تلاش میکند تا به "حمله پیشگیرانه" دست بزند و با تهدید و ارعاب معلمان معترض و با صدور احکام زندان، اخراج، تبعید برای معلمانی که بویژه در دور جدید اعتراضات فعال بودند، جلوی ادامه اعتراضات معلمان را بگیرد.

احکامی که اخیراً برای معلمین معترض صادر شده از جمله عبارتست از:

- علیرضا هاشمی دبیر کل سازمان معلمان ایران در تازه ترین حکم خود به اتهام تحریک معلمان به اعتصاب تجمع و تحصن و اخلاص در امنیت کشور به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شده است. وی پس

صفحه ۴



اول مهر و بازگشایی مدارس نزدیک است و رژیم نگران از سر گرفته شدن اعتراضات معلمان است. مبارزات و تظاهرات با شکوه معلمان قبل از تعطیلات تابستانی ابعاد گسترده ای پیدا کرد، بر فضای سیاسی جامعه تاثیر گذاشت و رژیم با تعقیب و دستگیری گسترده فعالین معلمان توانست مبارزه بر حق آنان را موقتا متوقف کند. اکنون با بازگشایی مدارس، جمهوری

متن "رای دادگاه" سندج برای شیث امانی و صدیق کریمی



صفحه ۲

صفحه ۴

اینجا جلوی چشم کودکان خردسال اعدام میکنند!

صفحه ۵

از میان نامه ها و سوالات

صفحه ۶

اخباری از شهرهای کردستان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

احکام رژیم اسلامی علیه فعالین کارگری . . .

از صفحه ۱

همزمان با این تعرضات رژیم اسلامی اعلام کرد که زنان بد حجاب را مورد تعرض قرار میدهد. هزاران زن در شهرهای مختلف دستگیر شدند و یا به آنها تذکر داده شد. در موارد متعددی زنان با نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی درگیر شدند. به دنبال این اقدامات دستگیری و محاکمه فعالین کارگری، معلمان دانشجویمان و روزنامه نگاران شدت بیشتری گرفت. رژیم با همه این اقدامات نتوانست جامعه را مرعوب کند. برای رسیدن به هدف خود موج اعدامهای دسته جمعی به اسم "ارازل و اوباش" را راه انداخت. طبق اخبار منتشر شده در نیمه اول سال جاری ۱۰۷ نفر را اعدام کرده است.

مردم باید در مقابل این توحش افسارگسیخته به میدان بیایند. بدون مهار کردن و افسار زدن به پوزه آخوندها و نمایندگان خدا و سرمایه دامنه این کشتار و سرکوبگری میتوانند وسیعتر شود. مردم میتوانند و باید این جانوران وحشی را در قفس کنند. سرمایه داری در ایران و نمایندگان و مدافعین و حاکمان این طبقه با مشاهده رشد چپ و کمونیسم به هراس افتاده و تلاش میکنند به انحاء مختلف جلو رشد این جنبش را سد کنند. رژیم حاکم بر ایران با شکار فعالین و رهبران جنبشهای اعتراضی بویژه جنبش کارگری به این جنگ آمده است. در همین مدت چند ماهه اخیر تعداد زیادی از فعالین و رهبران کارگری، معلمان، دانشجویمان و دیگر فعالین اجتماعی زندانی و محاکمه شده اند. بر اساس آمار منتشر شده تعداد زندانیان سیاسی به مرز ۴۰۰ نفر رسیده است. زندانیان زیر حکم اعدام تعدادشان بیشتر و بیشتر شده است. با گسترش فضای ترس و وحشت میخوانند مردم را مرعوب کنند تا دست از مطالباتشان بردارند. اما مردم نمیخواهند و نمیتوانند کوتاه بیایند. مردم بارها اعلام کرده اند این رژیم را نمیخواهند. حزب کمونیست کارگری ایران در جلو این صف حق طلب و برابری طلبانه برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپای یک

آنچه که در زیر می خواهید متن تایپ شده احکام دادگاه اسلامی سنندج در مورد شیث امانی و صدیق کریمی است. ایسکرا

"رای دادگاه"

اتهام آقایان ۱- شیث امانی فرزند محمد رحیم متولد ۱۳۴۸ بییکار باسواد اهل و ساکن شهرستان سنندج فاقد سابقه کیفری و متاهل با وکالت آقایان مرتضی جوانمیری و صالح نیکیخت دائر بر اقدام علیه امنیت ملی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از طریق الف - شرکت در اغتشاش و تجمع غیر قانونی به مناسبت روز جهانی کارگر در سطح شهر سنندج و تجمع غیر قانونی مقابل زندان مرکزی سنندج ب - فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و بنفع گروهک کمونیست کارگری از طریق ارسال اخبار و اطلاعات به گروهک مذکور (هر چند در کیفرخواست صادره اتهام وی اقدام علیه امنیت ملی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از طریق تحریک و تشویق کارگران به تجمع غیر قانونی و تاسیس و شرکت در تشکلهای برخی از گروهکهای غیر قانونی نظیر کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری ایران و اتحادیه سراسر کارگران بییکار اخراجی و کمیته دفاع از محمود صالحی (زندانی) ارسال اسناد و مدارک و مکاتبات شورای اسلامی کارخانه نساجی سنندج اخبار جلسات کمیسیون کارگری استان برای عناصر گروهک کمونیست کارگری ایران برای درج در سایتها اینترنتی و بهره برداری علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و اخلال در نظم شهر سنندج آمده ولی اتهام صحیح مشارالیه همان است که ذکر گردید) ۲- صدیق کریمی



فرزندتوفیق متولد ۱۳۴۹ بییکار، باسواد، اهل و ساکن شهرستان سنندج، فاقد سابقه کیفری و متاهل با وکالت خانم خدیجه فهیم و آقای صالح نیکیخت دائر بر اقدام علیه امنیت ملی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از طریق الف - شرکت در اغتشاش و تجمع غیرقانونی به مناسبت روز جهانی کارگر در سطح شهر سنندج و تجمع غیر قانونی مقابل زندان مرکزی سنندج بخاطر زندانی شدن محوم علیه محمود صالحی ب - فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و بنفع گروهکهای مخالف نظام از جمله گروهک کومله و کمونیست کارگری (هر چند در کیفرخواست صادره اتهام نامبرده اقدام علیه امنیت ملی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از طریق تجمع غیر قانونی در روز جهانی کارگر، تبلیغ علیه نظام و بنفع کومله و حزب کمونیست کارگری و تاسیس و شرکت در تشکیلات گروهکهای غیر قانونی نظیر کمونیست پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری ایران و اتحادیه سراسری کارگران بییکار و اخراجی و کمیته دفاع از محمود صالحی، اخلال در نظم شهرستان سنندج از طریق تجمع غیر قانونی آمده ولی اتهامات صحیح وی همان است که اشاره گردید) با عنایت و گزارش و تحقیقات مرجع انتظامی و اداره کل جرم از منل متهم ردیف اول، اقرار و اعتراف صریح هر دو متهم به اتهام بند الف با دفاعیات بلاوجه

طیاری
دادرسی شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی
رونوشت برابر با اصل و
اداریست مدیر دفتر شعبه اول
دادگاه انقلاب اسلامی سنندج- از
طرف خواجوند

احکام صادره علیه صدیق کریمی و شیث امانی و ۱۱ نفر دیگر از فعالین کارگری سنندج باید فوری و بدون قید و شرط لغو شوند!

کودکان و اعتیاد

ازصفحه ۱



شاید برای هر کسی که این صحنه را دیده باشد این سؤال سطحی نگرانه مطرح شود که چرا پدر این کودک با اشتیاق و رغبت این پسر بچه را به کشیدن این ماده ویرانگر تشویق می کند؟ و احتمالات، یا حدس و گمانهای متعددی را برشمارد که شاید پدر این کودک بخواهد با به اعتیاد کشانیدن فرزند چهار ساله اش و برای آینده اعتیاد خویش، همسرنوشت مطمئنی را پرورده کند. شاید هم بخواهد شریک بی دردسری که بتواند بعدها از طریق او نیاز اعتیادش را تامین کند داشته باشد. از کجا معلوم فرزندش باشد؟ واقعا آیا پدری می تواند با این رغبت این طفل معصوم را به چنین سیاه روزی و آنهم در این سن بکشاند؟ تمامی این احتمالات را می توان حدس زد اما حرکت از زاویه این حدس و گمان ها ما را به جایی نمی رساند و باید به علت و ریشه های بنیادی تر این وقایع پرداخت که چرا چنین وضعیت و بساطی برای کودکان، پدر و مادرانشان و علی العموم برای معتادین فراهم و مهیا شده و اصولا ریشه این درد ویرانگر اجتماعی از کجا مایه می گیرد، بانی و مقصر کیست، راه چاره چیست و چکار باید کرد؟

اعتیاد کشانیده است و زیاد هم غامض و پیچیده نیست نباید انگشت گذاشت.

علل و بانی اعتیاد

برای بررسی این پدیده، همانند بررسی هر مسئله و معضل اجتماعی دیگر در جامعه ایران و کل جوامع بشری، باید از سیستم و مناسبات حاکم بر جامعه شروع کرد. آیا اگر پدر این کودک زندگی متعارف و نرمالی میداشت، به چنین روزگاری می افتاد؟ آیا اصولا آدم ها دوست دارند به اعتیاد دچار شوند؟ دوست دارند در فقر و نداری زندگی کنند؟ پاسخ به این سئوالات و دهها مورد دیگر از این آیا ها منفی است. هیچ انسانی دوست ندارد جسم، فکر و روان خود را با استفاده از مواد مخدر، مختل و به نابودی بکشاند، هیچ بنی بشری دوست ندارد و حاضر نیست فقر، بیکاری، و معضلات عدیده اجتماعی را بپذیرد و بر زندگی اش تحمیل کنند. هیچ انسانی نمی خواهد و دوست ندارد فرزندش را به تباهی و نابودی سوق دهد. اکثر قریب به اتفاق معتادین از بخش بیچار جامعه هستند. کسی که در این جامعه شغلی نداشته باشد و یا از کار اخراج شده باشد، یا توانایی جسمی برای تامین زندگی اقتصادی خود و خانواده اش را نداشته باشد، از سر هزار و یک درد روحی و فکری و برای خلاصی از عذاب وجدان خود در عدم تامین نیازمندیهای زندگی خانواده اش هم که شده، با رجوع به مواد مخدر که از طرف دم و دستگاه حاکم در جامعه ایران به وفور در همه

جا یافت می شود، خود را به فراموشی و برای فرار از درد روحی که سیستم موجود به آنان تحمیل کرده است آنرا بعنوان مسکنی بر میگیرند و به آن پناه می برد.

رژیم جمهوری اسلامی از بدو سر کار آمدنش، سیاست گسترش و توضیح مواد مخدر را به راحتی در جامعه رواج داد. آیا کسی هست نداند که انواع مواد مخدر از کجا، چگونه و توسط چه کسانی وارد زندانها می شود؟ آیا کسی هست نداند که چگونه است که این مواد با ارزاترین قیمت و توسط باندها و شبکه هایی که سرشان به عوامل و دست اندرکاران حکومتی وصل است و در جامعه به وفور بفروش میرسد، بانی و رواج دهنده اش کیست؟ اگر از همان کودکان خردسالی که به اعتیاد کشانیده شده اند سؤال شود که عامل و بانی توضیح و فروش مواد مخدر کیست، سر راست انگشت خود را بطرف رژیم حاکم نشانه می گیرند.

فقر، بیکاری، توهین و بی حرمتی به انسان در سایه یک حکومت ضد انسان در سایه حکومتی که بدون ضدیبت با بشر نمی تواند معنا و مفهومی داشته باشد، به امر متعارفی تبدیل شده است. در پرتو چنین سیستم و قوانینی که از این مناسبات حفاظت می کند، اعتیاد زاده میشود. در سیستم مناسبات رژیم اسلامی توضیح، فروش و گسترش مواد مخدر، جزئی از سیاست و برنامه اعلام شده این نظام است. حکومت اسلامی لازم نیست برای به تباهی کشانیدن میلیونها انسان، راه و روش این تباهی را با صراحت در قوانینش اعلام کند. عارضه های دردناک زندگی میلیونها نفر در آن جامعه، از اعتیاد و تن فروشی گرفته تا فقر و فلاکتی که سیمای واقعی زندگی انسانها است، همگی نشان از پایه ها و بنیادهای انگل وار رژیمی است که بدون ایجاد و تحمیل چنین فاجعه ای بر زندگی مردم، معنای دیگری ندارد. کسی نمیتواند در پرتو وجود رژیم اسلامی تجسمی از زندگی شاد

و خلاق برای کودک را تصور کند. نمی توان از اشتغال برای همه بیکاران تصویری متعارف داشت، بنابر این، اعتیاد، تن فروشی، کودکان کار و خیابانی، اعدام و زندان و سنگسار و هزار مصیبت دیگر در زندگی هر لحظه مردم و تحت حاکمیت رژیم اسلامی، جزء جدایی ناپذیر این حکومت است. که با موجودیت نکبت بارش عجین شده است. وجود این فاجعه انسانی در جامعه کاملا مترادف با همین نظام حکومتی است و تا رژیم جمهوری اسلامی بر سر کار است، این فلاکت و سیاه روزی نه تنها کاهش یافتنی نیست بلکه روز بروز بر شدت و حدت آن افزوده می شود.

راه حل چیست؟

برای مقابله با پدیده اعتیاد و دیگر معضلات زندگی مردم که رژیم اسلامی به ارمغان آورده است دو راه حل را همزمان و در کنار هم میتوان بکار گرفت.

راه حل ریشه ای و نجات واقعی مردم از میراث حکومت اسلامی از اعتیاد و تمامی بلاها و دیگر فاجعه هایی که به جامعه و مردم تحمیل کرده است این است که باید این رژیم را انداخت و سرنگون کرد. با حذف و سرنگون کردن انقلابی این رژیم سرطان را توسط مردم و جایگزینی مناسباتی انسانی که در آن حرمت و کرامت انسانها سرلوحه برنامه حکومت جدید باشد، که در آن حرمت و حقوق کودک بر هر مصلحت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مقدم باشد، اعتیاد، تن فروشی، اعدام، بیکاری، فقر و فلاکت از جامعه رخت بر خواهد بست. این همان راهی است که حزب کمونیست کارگری و برای حل ریشه ای زندگی میلیونها انسان در آن مملکت پیش روی خود قرار داده است و سالهاست که برای تحقق این امر می کوشد. این تنها راه حل موثر و بنیادی برای محو و نابودی جهنمی است که رژیم اسلامی به مردم تحمیل کرده است.

در کنار این تلاش برای به سرانجام رسانیدن این راه حل بنیادی و زیر و روکننده، در عین حال و همزمان راه های دیگری را هم می توان بعنوان اقدامات عاجل در دستور گذاشت از جمله اینکه در میان مردم و در میان فعالین عرصه های اجتماعی و بویژه مدافعین حقوق کودک و سازمانهایی که در این زمینه فعالیت دارند باید تلاش شود که با تاسیس و ایجاد مراکز و محللهایی که بتوان در نهایت احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت و آینده این کودکان و بطور کلی حفاظت و مراقبت از معتادین، مراکز و نهادهایی مستقل از دولت را با کمک و مشارکت افکار عمومی که اینگونه فاجعه ها دل آنان را بدر می آورد ایجاد کرد و در امر ترك اعتیاد آنان قدم بردارند. این موسسات و نهادهای فعالان حقوق کودک می تواند با پشتیبانی موج وسیعی از مردم دلسوز و انساندوست، به نهادهای حکومتی اعمال فشار کنند تا در این زمینه از بودجه های کلانی که متعلق به همین مردم و همین کودکان است و بدون کوچکترین دخالت دولت در آن، به مداوا و بازگرداندن زندگی و روحیه معتادین به موقعیت قبل از اعتیاد تلاش ورزند. این اوضاع نباید برای هیچکسی قابل تحمل باشد. مردم آزاده و فعالین اجتماعی در داخل کشور در قبال پرپر شدن کودکان معصوم مسئولند. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها هیچ گونه مسئولیتی را در قبال معتادین، کودکان و کل معضلات مردم را برعهده ندارد بلکه در طول حیات عمر کثیف و نکبت بار خود کوشیده است تا برای تضمین بقای خود، زندگی و هستی جامعه را بیش از پیش در باطلاق گنبدیده خویش فرو برد. این مسئولیت بر عهده همه ما است که همت کرده ایم جامعه و زندگی کودکانمان را از وجود سرطان رژیم اسلامی نجات دهیم.

۱۹ اوت ۲۰۰۷

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

و حست رژیم از فرارسیدن اول مهر . . .

اینجا جلوی چشم کودکان خردسال اعدام میکنند! مردم آزاده جهان: علیه موج جدید سرکوب مردم ایران به میدان بیایید!

از صفحه ۱



از گذراندن ۱۹ روز زندان انفرادی در اسفند و فروردین ماه ۸۵ و ۸۶ به ۲ سال تبعید به شهری و ۳ ماه انفصال از خدمت محکوم شده بود.

علی پور سلیمان مسئول کمیته تشکیلات سازمان معلمان پس از گذراندن ۱۹ روز بازداشت انفرادی در اسفند و فروردین ۸۵ و ۸۶، به ۲ سال تبعید به شهرستان اسلامشهر و ۳ ماه انفصال از خدمت محکوم شد.

محمد داوری مسئول اطلاع رسانی سازمان معلمان پس از گذراندن ۱۹ روز بازداشت انفرادی در اسفند و فروردین ۸۵ و ۸۶ به ۳ ماه انفصال از خدمت محکوم شده است. دادگاه بعدی او هنوز تشکیل نشده و قرار است به دادگاه احضار شود.

آقایان نادر قدیمی به ۵ سال تبعید به خراسان جنوبی، یوسف زارعی سه سال تبعید به استان ایلام، هادی غلامی یکسال انفصال از خدمت، یوسف رفاهیت کسر دو گروه برای مدت ۲ سال، عبدالرضا عمادی از اصفهان تبعید به استان مرکزی، رحمتی از شهرضا تبعید به استان مازندران، حمید مجیری از اصفهان اخراج از کار، محمود بهشتی، علی اکبر باغانی، حمید پوروشوق، محمدتقی فلاحی، محمدرضا رضایی و رسول بدایقی از تهران انفصال از خدمت، مختار دوستی نیا، عبدالصاحب ناصری، مهدی مومنی و علی رحیمی از ایلام انفصال از خدمت محکوم شده اند.

روز چهارشنبه ۲۴ مرداد سیدهاشم خواستار و هادی لطفی نیا از فعالین کانون معلمان مشهد تحت عنوان تشویق معلمان به اعتراض، تحصن و تجمع، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، تبلیغ برای نهضت آزادی مشهد قرار است محاکمه شوند.

ایرج تویبهای نجف آبادی از سوی هیئت بدوی سازمان آموزش و پرورش خراسان رضوی تحت عنوان تعطیلی کلاس های درس، تحریک معلمان به تحصن و تجمع، تشویق همکاران به نشست در مدارس و سازمان آموزش و پرورش مشهد متهم شد و بنا به ادعای حراست ناحیه ۶ آموزش و پرورش مشهد گفته شده است که ایشان به رئیس ناحیه توهین کرده و باید ظرف مهلت ۱۰ روز دفاعیه خود را به حراست ارائه کند.

این احکام جزئی از تلاش سبعانه رژیم برای بقا است که با موجی از زندان، اعدام، سنگسار و شکنجه و دستگیری و تهدید و فشار بر فعالین کارگری، دانشجویی، معلمان و حملات هر روزه اوپاش اسلامی به زنان و جوانان در سطح شهر همراه بوده است. حزب کمونیست کارگری همه مردم آزاده و همه سازمان های کارگری و سازمانهای مترقی را فرا میخواند تا به احکام جمهوری اسلامی علیه معلمان اعتراض کنند. ما همه معلمان و دانش آموزان و خانواده های آنها را فرامیخوانیم تا برای بازگشایی مدارس و موجی قدرتمند از اعتراض برای گرفتن خواست های معلمان که خواست همه ما است، مهیا شوند. ما همچون گذشته برای پیروزی معلمان تا به آخر در کنار آنها خواهیم بود.

زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری معلمان
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری،
حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ مرداد ۱۳۸۶، ۱۸ اوت ۲۰۰۷

مردم آزادیخواه، سازمانهای مدافع حقوق انسان، کارگران همه کشورها! تصویر به حد کافی گویا است. جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای بقا، موجی از اعدام (در ملاء عام و نمایش آن از تلویزیون)، سرکوب هر روزه زنان و جوانان به بهانه حجاب و آرایش، اعمال شکنجه های وحشیانه علیه دانشجویان در بند و زندانیان سیاسی، راه انداختن نمایشات اعتراف گیری در تلویزیون، دستگیری و تعقیب رهبران کارگری، دادن حکم شلاق و زندان به کارگران به جرم برپایی اول مه و مشتکی جنایت دیگر براه انداخته است. جانین حاکم بر مردم ایران طی هفته های گذشته کوشیده اند با توسل به هر جنایتی مردم را مرعوب کنند و البته نتوانسته اند! شواهد نشان میدهد مردم ایران در عزم خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی مصمم تر میشوند و از طرف دیگر توجه مردم جهان به مبارزه عظیم و عادلانه مردم ایران بیش از پیش جلب میشود. تظاهرات جهانی ۹ اوت برای آزادی محمود صالحی و اساتلو که به فراخوان سازمانهای کارگری جهانی و جریانات سیاسی چپ ایران در بیش از ۳۰ شهر جهان در برابر سفارتخانه های جمهوری اسلامی برپا شد، و برپایی اعتراضات بین المللی توسط نهادهای گوناگون علیه اعدام در ایران، جلوه ای از این

زنان و دیگر نهادهای مترقی، نیروهای اپوزیسیون و ایرانیان مقیم خارج کشور، افکار عمومی جهان را با تمام قوا علیه رژیم اسلامی و در حمایت از مردم ایران بسیج کند. به هر وسیله که میتوانید علیه موج اعدام و ارباب در ایران اعتراض کنید. دولتها را تحت فشار دهید تا علیه جنایات جمهوری اسلامی رسماً و علناً اعتراض کنند. در تجمعات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی شرکت کنید، به سران جمهوری اسلامی و مراجع بین المللی نامه های دسته جمعی بنویسید و خواهان توقف فوری اعدام ها و سرکوبها شوید. اجتماعات و اعتراضات ابتکاری در محل کار و دانشگاه و مدرسه و شهر خود و بویژه در برابر سفارتخانه های جمهوری اسلامی برپا دارید و اعلام کنید که از تلاش مردم ایران برای رهایی از شر حکومت آدمکشان حمایت میکنید. مردم ایران با چنین حمایت وسیع و بین المللی از سوی شما مردم آزادیخواه جهان، پشتگرمی بیشتری پیدا خواهند کرد، خود را در برابر رژیم اسلامی قدرتمندتر خواهند دید، این رژیم را به عقب خواهند راند و سرانجام خود و جهان را از شر آن رها خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا در مقابل این موج جدید سرکوب و اعدام و توحش حکومت اسلامی می ایستد و همه مردم آزادیخواه در سراسر جهان را به حمایت هرچه فعالتر و وسیعتر از مردم ایران فرامیخواند. مردم ایران، کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و جوانان که هر روز با رژیم آپارتاید جنسی، رژیم اعدام و زندان، رژیم تحمیل فقر مطلق به تمام کارگران و اکثریت مردم ایران در نبردند، به کمک و حمایت گسترده تر شما نیاز دارند. باید دنیا علیه سران جانی حکومت اسلامی به حرکت درآید و آنها را سر جای خود بنشانند. ما اطمینان داریم با کمک شما میتوانیم موج جدید اعدام و سرکوب در ایران را متوقف کنیم و هجوم تازه اوپاش حکومت به مردم ایران را در هم شکنیم.

حزب کمونیست کارگری به نمایندگی از طرف کارگران و مردم ایران مصمم است تا در همکاری با اتحادیه های کارگری و سازمانهای مدافع حقوق

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ مرداد ۱۳۸۶ - ۱۶ اوت ۲۰۰۷

**مردم!
جمهوری اسلامی را عقب برانید!
علیه رژیم اعدام و سنگسار و زندان
در داخل و خارج کشور به میدان بیایید!**

از میان نامه ها و سؤالات

عبدل گلپریان

نجات از پیرانشهر: با سلام من چند سؤال داشتم میخواستم پیروم کمونیسم چقدر در ایران جواب میدهد؟ و چقدر احتیاجات و مشکلات مردم برطرف می شود؟ در ضمن اقلیتهای مختلف چقدر می توانند بهر مند شوند؟

عبدل گلپریان: نجات عزیز با سلام به شما و ممنون از اینکه سؤال ها را با ایسکرا در میان گذاشتید. شاید بشود سؤال اول و دو شما را اینگونه طرح کرد که کمونیسم چقدر پاسخگوی شرایط و وضعیت جامعه ایران است و در صورت به پیروزی رسیدن کمونیسم در ایران، موقعیت مردم و مشکلاتشان تغییر خواهد کرد؟ امیدوارم منظور شما را درست فهمیده باشم. معمولا این سؤال و سئوالاتی شبیه آنچه که شما مطرح کرده اید از آن رو عنوان می شوند که در جامعه آرا، افکار و گرایشاتی وجود دارد که کمونیسم و برقراری جامعه ای سوسیالیستی را زود رس و نا خوانا با نگرش مردم می دانند. حتما شما هم با چنین درد و تصویری مواجه شده اید. پایین تر سعی میکنم نشان دهم که قضیه کاملا برعکس است.

کمونیسم قبل از اینکه عنوان و نامی برای ساختار یک مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی معینی باشد، در واقع صورت مسئله اصلی برای برون رفت جامعه کنونی از شرایطی است که همه ما شاهد آن هستیم. کمونیسم بنا به ماهیت مادی و واقعی خود، پاسخ به تمامی معضلاتی است که امروز جامعه با آن دست بگریبان است. کمونیسم نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان پاسخ روشن و طبیعی برای زندگی و حیات بشر است. شرایطی را که امروز گریبان میلیونها مردم در آن مملکت را گرفته است، باید تغییر داد باید

دگرگون کرد. اگر فقر و فلاکت بیداد می کند، اگر بیکاری و تورم وجود دارد، اگر امنیت زندگی و شغلی موجود نیست، اگر در جامعه به انسانها توهین و بی حرمتی می شود، اگر اعدام، زندان، شکنجه و سنگسار بخشی از ساختار رژیم فعلی در ایران است و دهها اگر دیگر از این قبیل، نقش و رسالت کمونیسم در ایران می تواند این باشد که با بدست گرفتن قدرت سیاسی و از طریق انقلاب اجتماعی مردم، باید به این وضع خاتمه دهد. رئیس برنامه و اقدامات فوری در برنامه یک دنیای بهتر، جواب دادن به نیاز واقعی میلیونها انسان در جامعه ایران است.

جواب کمونیسم در ایران بنا به ماهیت و جوهر تعریفی که کمونیسم مارکس و منصور حکمت از آن دارد این است که این کمونیسم اساس و بنیادش نگرستن به انسان و سرنوشت امروز و آینده انسان است. کمونیسمی که حزب کمونیست کارگری آنرا نمایندگی می کند این است که اگر جایگاه انسان را از آن حذف کنی، دیگر معنا و مفهومی نخواهد داشت. این کمونیسم بنا بر این تعریفی که از جایگاه حق حیات انسان و بخاطر موجودیت بشر دارد، در خود پاسخ اصلی به شرایط و موقعیت امروز مردمی است که این حق طبیعی را از سلب نموده اند. وقتی پای حق حیات و زندگی و کرامت انسان به میان می آید، هیچ معنایی جز این ندارد که این کمونیسم یعنی ایجاد و تامین یک زندگی شایسته انسان، رفاهیات، امکانات زندگی مرفه برای همه آحاد مردم، تامین و ایجاد اشتغال برای رشد و خلاقیت انسان در آن جامعه، یعنی تامین و ضمانت آینده انسان، ارج نهادن به حقوق کودکان، برابر دانستن زن و مرد بعنوان انسانهایی که نباید کوچکترین تبعیضی در برابر آنان صورت

بگیرد، یعنی لغو و حذف تمامی نهادها و دم و دستگاه سرکوبگر، یعنی امحای ارتش و پلیس، یعنی برداشتن زندان و لغو مجازات اعدام. اینها حداقل اقداماتی است که کمونیسم کارگری برای برقراری و پیروزی کمونیسم در ایران در فردای بقدرت رسیدن، به جامعه اعلام خواهد کرد.

آیا به نظر شما اینها و بسیاری دیگر از خواست و مطالبات مردم، آرزوی هر انسانی که چشم بر این جهان گشوده است نیست؟ قطعاً پاسخ هر انسان آزادیخواه و برابری طلب به آن مثبت است و رسالت و مسئولیت کمونیسم چیزی جز این نیست. بنابر این و اگر بپذیریم که همه آحاد مردم آرزویشان یک زندگی انسانی و با تامین نکاتی که در بالا به گوشه هایی از آن اشاره کردم باشد، در نتیجه در خواهیم یافت که سوسیالیسم و کمونیسم همان چیزی است که باید به این توقعات پاسخ دهد. اگر میلیونها مردمی که تشنه یک زندگی شایسته برای خود هستند، این تنها کمونیسم کارگری مارکس و منصور حکمت است که جواب مسئله خواهد بود. با توجه به آنچه که اینجا خیلی کوتاه به آن اشاره کردم، تنها کمونیسم است که پاسخ اوضاع جامعه و زندگی بشر است. در نتیجه قرار نیست اندازه و میزانی را برای اینکه چقدر کمونیسم پاسخگو است تعیین کرد بلکه دارای واقعی دردی است که مردم و کل جامعه را به دهها امراض اجتماعی دچار کرده است.

پرسیده اید که اقلیتها چقدر می توانند بهر مند شوند؟ اگر به جواب سؤال اول توجه کرده باشید، کمونیسم برای تحقق خواست و آرزوهای مردم بطور یکسان و برابر نگاه می کند. اقلیت و اقلیت تراشی بر اساس نژاد، ملیت، مذهب، زبان و غیره، چیزی است که حکومتها و دولتها و نمایندگان فکری گرایشات عقب مانده در جامعه، تاریخا برای انسانها درست کرده اند. اگر قرار باشد در جامعه ای آزاد و برابر که در آن حقوق همه شهروندان جامعه به یکسان برسمیت شناخته شود، دیگر

دلیلی ندارد که مقولات و مفاهیمی که کوچکترین تعلقی به هویت انسانی ندارند، بعنوان زغمی بر تن جامعه تداوم داشته باشد. از کسی که حقوق اقلیت را برای خود یا بخشی از جامعه عنوان می کند باید پرسید که در شرایطی که ساختار یک حکومت سوسیالیستی همه نیازها و نعمات زندگی را برای همه بطور یکسان می خواهد عملی کند، در لباس اقلیت خواهی قرار است چه چیزی تامین شود؟. مثلا مردم آذربایجان یا کردستان یا بقیه مردم نقاط دیگر کشور که در طول تاریخ به ملیتهای مختلف منتسب شان کرده اند، آیا بجز بهر مند شدن از یک زندگی برابر، از چه چیز دیگری باید بهر مند شوند؟. در جامعه سوسیالیستی که اساس و هدف آن توجه بنیادی به زندگی انسان به معنای واقعی کلمه است، علم کردن ملیت ها و یا اقلیتها، همچنان برقرار نگه داشتن همان درد و زخم تاریخی است که قرنها است بر پیکر جامعه وارد کرده اند و احزاب و جریانها حاشیه ای و قوم پرست تلاش می کنند با سهم خواهی و بهر مند کردن خود بعنوان حاکمان چند روستا و پاسگاه محلی، تحت عنوان قوم و نژاد و غیره، همچنان جامعه را به فقر سوق دهند و از قبل چنین وضعی مانع از ایجاد یک همسرنوشتی انسانی در جامعه شوند.

بطور مشخص در مورد مسئله ملی در کردستان، در ایسکرا شماره ۳۷۳ شبیه همین سؤال شما را در پاسخ به سؤال یکی از خوانندگان

ایسکرا داده ام. حزب کمونیست کارگری در برنامه یک دنیای بهتر بطور روشن به این مسئله جواب داده است که مردم کردستان می توانند در یک انتخابات آزاد تصمیم بگیرند و رای بدهند که آیا می خواهند بعنوان کشوری مستقل جدا شوند یا در چهارچوب جامعه ایران و همانند بقیه شهروندان جامعه بمانند و این حق را برسمیت می شناسد که اگر مردم کردستان رای به جدایی بدهند اما در عین حال توصیه حزب این است که مردم کردستان در کنار بقیه شهروندان جامعه و با برخورداری از حقوق برابر و یکسان بمانند و برای جدایی ندهند. توصیه حزب دقیقا در راستای یک همسرنوشتی انسانی و طبقاتی و برای تامین بیشترین همبستگی و اتحاد در جامعه است، برای تقویت هویت انسانی مردم در جامعه است و به این اعتبار هر کسی که خود را در با معیارهای انسانی تعریف کند و برای دوری جستن از تفرقه و اینکه خواهد به نام ملیت و غیره تعریف و منتسب شود، با چنین توصیه ای همسو خواهد بود. سرزمین و خاک و جغرافیا هیچگونه تقدسی ندارد. بلکه آنچه که مهم است تامین حفاظت و مسئولیت پذیری در مقابل حق حیات و زندگی میلیونها انسانی است که در آن جامعه زندگی می کنند.

امیدوارم که توانسته باشم پاسخ به سئوال شما را تا حدی داده باشم. برای آرزوی موفقیت می کنم. همچنان برای ایسکرا نامه بنویسید و سئوال خودتان را مطرح کنید. به آن پاسخ داده خواهد شد.

یک دنیای بهتر
برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

از سایت های
حزب کمونیست کارگری ایران
دیدن کنید

www.wpiran.org
www.rowzane.com

اساسی سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

اخباری از شهرهای کردستان

سندج: روز چهارشنبه ۲۴

محمدرضا در شهرستان سردشت خود را آتش زد و درگذشت. ۲ نوجوان به اسامی معروفی و باریاجی در رودخانه غرق شدند.

مرداد ۸۶ گشتهای ارشاد رژیم در خیابان ششم بهمین و در محل ایستگاه تاکسی اول خیابان تاج، دو دختر ۱۵ و ۱۶ ساله را در این ایستگاه تحت عنوان مبارزه با "بدحجابی" دستگیر و آنان را سوار بر ماشین کرده و با خود بردند. مردم حاضر در محل به این عمل وحشیانه مزدوران رژیم اعتراض کرده و خشم و نفرت خود را نسبت به این تجاوز و آدم ربایی به حریم شخصی و خصوصی مردم ابراز کردند.

سردشت: یک دختر ۲۲ ساله به اسم کویستان درویشی در سردشت با روسری خودش خود را حلق آویز کرد و جان باخت. یک زن ۶۰ ساله به اسم خدیجه

پیرانشهر: روز ۲۱ مرداد یک

نفر کاروانچی در مسیر پیرانشهر به عراق، بدست نیروهای انتظامی رژیم کشته شد. همچنین در همین روز زنی که از راه قاچاق به عراق بر میگشت، بدست نیروهای انتظامی زخمی میشود که بعد از چند ساعت بدلیل خونریزی شدید جان خود را از دست داد. روز ۲۳ مرداد در داخل شهر پیرانشهر فلکه استقلال، یک نفر لباس شخصی به یک جوان تیر اندازی می کند. این جوان دستگیر می شود و یک نفر دیگر در اثر تیر اندازی زخمی می شود

مروان: روز دوشنبه ۲۹

مرداد نیروهای سرکوبگر رژیم در این شهر دو جوان را در در درون اتوموبیل به سوی دو جوان سر نشین اتوموبیل شخصی تیر اندازی کردند و آنها را بقتل رساندند.

بانه: روز یکشنبه ۲۱

مرداد ۸۶ نیروی انتظامی رژیم مستقر در پاسگاه سابدلو، مابین بانه - سقز، یک دستگاه خود رو حامل سوخت را تعقیب می کنند که در نتیجه ماشین حامل سوخت از جاده منحرف شده و بلافاصله دچار آتش سوزی میشود که متأسفانه دو نفر از سرنشینان این ماشین در آتش می سوزند. بدنبال این واقعه، مردم شهر بانه به این پاسگاه حمله می کنند، پاسگاه و یک دستگاه موتور سیکلیت را به آتش می کشند. نیروی انتظامی نیز بر روی مردم

خشمگین و معترض تیر اندازی می کنند و یک نفر از آنان را بقتل می رسانند. در جریان این حادثه در مجموع ۳ نفر توسط نیروهای سرکوبگر رژیم کشته شدند. * * * * *

حلق آویز کردن و خود سوزی فجایعی است که رژیم اسلامی به مردم تحمیل کرده است. سنت و فرهنگ قرون وسطای رژیم اسلامی و اعمال آن بر جوانان تا کنون جان هزاران انسانی را که تشنه یک زندگی انسانی هستند گرفته است. تحمیل فقر و نداری از جانب اوباشان اسلامی، خودسوزیهای بیشماری را موجب گشته است. دیگر بس است نباید بیش از این به این همه خفت و تحقیر تن داد. این رژیم باید سرنگون شود. مردم ایران حکم به نابودی آنرا داده اند. برای تحقق یک زندگی بهتر این خفشان اسلامی را باید

برانداخت و سران ریز و درشت آن را در دادگاه های علنی مردم و به جرم ۲۸ سال جنایت علیه بشریت به محاکمه کشید.

رژیم اسلامی در تلاش است تا با اقدامات سرکوبگرانه اش با دستگیری جوانان و تیراندازی بسوی مردم فضای رعب و وحشت را بر شهرهای کردستان حاکم کند. این تلاشهای وحشیانه همگی از سر استیصال و درماندگی، و در هراس از گسترش اعتراضات کارگران، زنان، جوانان و مردمی است که در صدد سرنگونی اش هستند. باید این اعمال ضد بشری رژیم و مزدورانش را با گسترش اعتراضات و تجمعات وسیع و متخذه پاسخ داد.

ایسکرا

تلویزیون انترناسیونال را به دوستان و آشنایان معرفی کنید

پخش برنامه های "تلویزیون انترناسیونال" در "کانال جدید" بر روی ماهواره هات برد از روز چهارشنبه سوم مردادماه (۲۵ ژوئیه) شروع شده است.

این رسانه متعلق به کارگران و مردم ستمدیده ای است که سهمی جز فقر و محرومیت و سرکوب آرزوهای انسانی خود، ندارند. تلویزیون انترناسیونال صدای اعتراض کارگر به جهنمی است که طبقه سرمایه دار سازمان داده است، صدای اعتراض زنان به وضعیت غیرانسانی خویش است، صدای اعتراض همه انسانهای شریف و آزاده است که خواهان به گور سپردن این نظام کثیف و حکومت حامی آن هستند. تلویزیون انترناسیونال صدای انسانیت، صدای حق طلبی، صدای آرمانهای انسانی اکثریت عظیم مردم و صدای اعتراض بحق آنها است. ما را در گسترش صدای خود یاری رسانید. فرکانس و سایر مشخصات آنرا به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. این آگهی را در سطح شهر، در کارخانه و دانشگاه و محله ای که زندگی میکنید و هرجا میتوانید وسیعاً پخش کنید. کیفیت پخش کانال جدید را همچنان به ما گزارش دهید. ما از همه شهرها و محلات مختلف شهرها و همینطور کشورهای همجوار به گزارش شما نیاز داریم. برای انترناسیونال خبرنگاری کنید. از آنچه در اطراف شما میگذرد گزارش، فیلم و عکس تهیه کنید و برای ما بفرستید که به اطلاع سایر مردم برسانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران



آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

ماهواره هات برد
فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۳/۴
پلاریزاسیون عمودی (Vertical)
سایت کانال جدید: <http://www.newchannel.tv>
آدرس تماس: kanaljadid@yahoo.com
tv.anternasional@yahoo.com
تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۹۰۴۴۱۳۵۲۵ و ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!